

طلوع

روزنامه

پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۳ • شماره ۳۸۹۵

طلوع روزنامه فرهنگی / سیاسی / اجتماعی / ورزشی

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده

شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شاپا) : ۸۰۰۲-۵۸۷۳ ISSN: 5873 - 8002

شیراز: خیابان انقلاب (نادر) / نیش پارک انقلاب / مجتمع رز / طبقه اول

تلفن: ۰۷۱-۳۲۳۴۴۷۷۲

کازرون: خ قدمگاه / پایین تر از تقاطع امیر کبیر ۴۲۲۲۹۲۴۶-۰۷۱

پست الکترونیک: toloudaily@gmail.com

آدرس صفحه اینستاگرام: https://instagram.com/tolounews

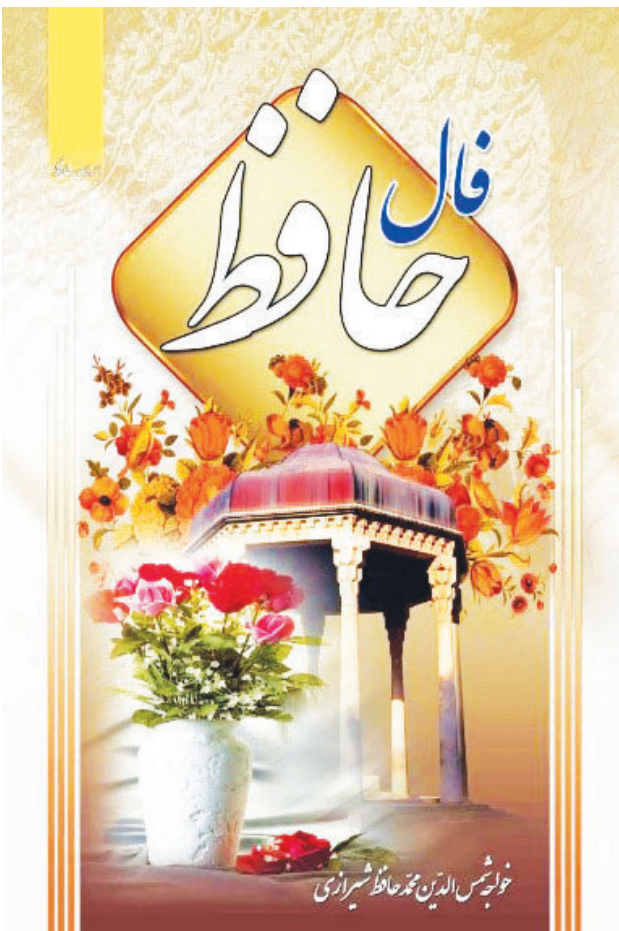
آدرس سایت: www.tolounews.com

مروانامه اخلاقی: tolounews.com/Regulations.aspx

چاپخانه: خلیج فارس



امروز شما



خوبش بزرگوار خیر حافظ شیرازی



فروردین

ممکن است در انجام کارها ماهر باشی اما این دلیل نمی‌شود که در حوزه عشق و دوست داشتن هم چنین مهارتی را داشته باشی.



اردیبهشت

دچار یک حالت روحی می‌شوی که برایت غریب است. دوست داری خیلی کارها انجام دهی و در خود انرژی فوق‌العاده‌ای می‌بینی که باید در راه درست خرج کنی. اگر با خودت رو راست باشی منبع این انرژی هم پیدا می‌شود!



خرداد

نی‌شود بعضی چیزها را در خود پنهان کرد. زیرا آثار و علائم آن از قیافه ظاهری و بخصوص چشم‌ها بیرون می‌زند. یاس و نومیدی را از خود دور کن، چون برای خود تقدیری داری و آن را دنبال می‌کنی.



تیر

دوباره فرصت خوبی در اختیار تو گذاشته خواهد شد که این بار نباید آن را از دست بدهی. کسی که فرصت‌ها و موقعیت‌های عاطفی زندگی را از دست می‌دهد فقط در زندگی حسرت نصیب می‌شود. از وقت‌های استفاده کن.



مرداد

سوالهای مهمی مطرح می‌شود که در حال حاضر جوابی برای آنها نداری. کسی از تو درخواستی می‌کند که فعلاً باید خوب به آن فکر کنی و بعد جواب بدهی. زندگی عاطفی تو به زودی دچار تغییرات چشم‌گیری می‌شود.



شهریور

با یک تماس تلفنی و یا فرستادن یک پیام یا نامه می‌توانی به او بفهمانی که به فکرش هستی. خاطرات گذشته، همیشه منبع و ذخیره‌ای روحی و معنوی است که باید از آن به خوبی استفاده کرد.



مهر

حکایت امروز تو مثل روزهای گذشته است. باز هم رفتار گذشته را تکرار می‌کنی. فرصت‌های طلایی را از بین می‌بری و بعد، مدتی را به حسرت آن می‌نشینی!!! به این ترتیب فرصت‌های دیگری هم نطفه می‌شود!



آبان

این تردیدهای توست که اراده‌ات را ضعیف کرده و باعث می‌شود تا فرصت‌های مهمی را از دست بدهی. پس این تردیدها را باید از خودت دور کنی.



آذر

با احساسات دیگران نمی‌شود بازی کرد. کسی که با آتش بازی می‌کند خودبه‌خود طعمه آن خواهد شد. شاید تو در این باره حق داشته باشی اما هر کاری عواقبی دارد که باید آنرا در نظر داشت.



دی

باید نسبت به آینده‌ات مطمئن باشی. لزومی ندارد که همیشه دیگران این تضمین را به تو بدهند که همه چیز درست و روبراه است! وقتی خودت و موقعیت‌های عاطفی یقین داشته باشی و با خود صادقانه رفتار کنی، کافی است و حالا این تو هستی که به خودت روحیه می‌دهی.



بهمن

باید زمان بیشتری را صرف بازنگری اعمال و رفتار خود در گذشته کنی. باید تجربه‌های گذشته‌ات را به دقت مرور کنی تا دوباره دچار همان مشکلات نشوی و انتخاب درستی داشته باشی.



اسفند

فرصت‌ها را نباید از دست داد. کسی که اول فرصت‌هایش را از دست می‌دهد و بعد برای از دست دادنش غصه می‌خورد، دچار جهل مرکب شده. اگر تو از این گروه هستی برایت دعا می‌کنم تا حالت خوب بشه!!!

پرنره «چرچیل» چوب حراج می‌خورد



این پرنره خلق کرد. او در یکی از این نسخه‌های رنگ روغن «چرچیل» را سه رخ و متفکر به تصویر کشید.

«سادرلند» نسخه رنگ‌روغن مذکور را نگه داشت و بعدها آن را به مجموعه‌دار و دلال آثار هنری به نام «آلفرد هچ» داد. این نقاشی تا پایان عمر «هچ» نزد او باقی ماند و سپس به دست مالک کنونی آن رسید.

چند هنرمند بزرگ از جمله «جان سینگر سارجنت»، «والتر سیکرت» و «اوسوالد بیرلی»، این نخست وزیر را نقاشی کردند.

کارشناسان حراجی «ساتییز» ارزش پرنره اثر «سادرلند» را بین ۵۰۰۰۰۰ الی ۸۰۰۰۰۰ پوند برآورد کرده‌اند. این اثر در ششم ژوئن به مزایده گذاشته خواهد شد.

نگاهی طنز به اتفاقات جهان در «هیس، هیچی نیس!»



در «هیس، هیچی نیس!» از بازیگران تئاتری بهره گرفته شده است که ۱۵ بازیگر اصلی و ۲۰ بازیگر فرعی را شامل می‌شوند. مجید امیری، علی فرحناک، حمید لاجوردی، ماشاء کوهستانی، مهدی برقی، مجید بخششیان، محمد حاج بابایی، مهناز رودساز، مهدی ملاک و جواد پیروزی از جمله این بازیگران هستند. همچنین زینب یزدانی سرپرست پژوهشگران، مجید بخششیان سرپرست نویسندگان و مهناز رودساز نویسنده فیلمنامه این مجموعه هستند که فصل نخست آن در ۲۶ قسمت به نگارش درآمده است.

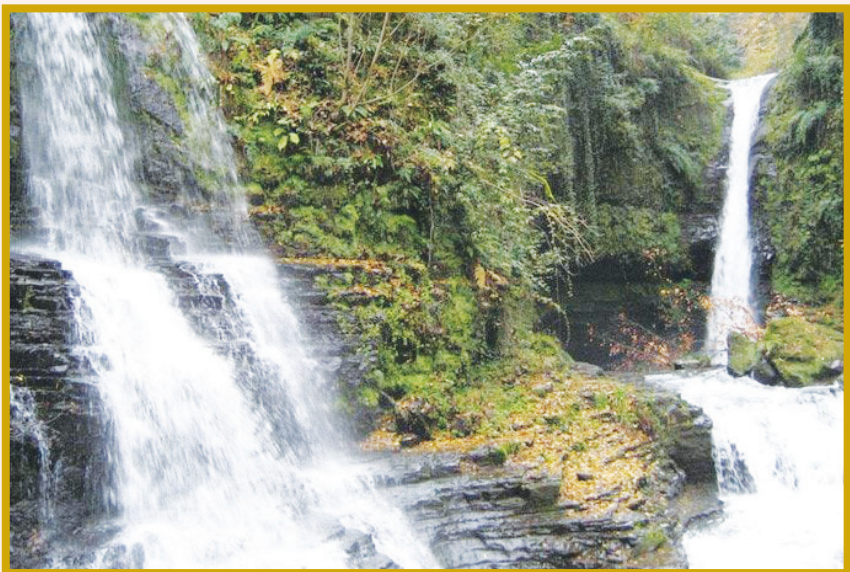
اصغر سمسارزاده:

اینکه سر بقیه را کلاه بگذاریم و بخندیم کمدی نیست



آمد چرا که نشان می‌داد مُرده‌ها، زنده‌ها را رها نمی‌کنند و این جذابیت کمدی است. بازیگر سریال خانه به دوش درباره اهمیت نقش مخاطب در ایجاد چنین شرایطی برای سینمای کمدی گفت: مخاطب دوست دارد خوش بگذارند و آنچه دلش می‌خواهد را بشنود. این اشتباه است؛ نباید هر آنچه مخاطب می‌خواهد را نشان دهیم. نباید فیلم را دست مخاطب بدهیم و او را اسیر گرفتاری‌های شخصی خودمان کنیم. این بازیگر درباره برنامه پانتولینگ با اجرای محمدرضا گلزار گفت: مردم، محمدرضا گلزار را دوست دارند و نسبت به او اقبال نشان می‌دهند. او نیز برنامه خوبی دارد. مدیر شبکه سه کار درستی کرد که گلزار را به تلویزیون برگرداند. وی درباره حضور دیگر هنرمندان در تلویزیون نیز گفت: مهران مدیری برای مردم زحمت زیادی کشیده. امیدوارم او به خانه اصلی خودش برگردد.

عکس روز:



آبشار دوقلوی زمرد حویق

در دل کوه‌های تالش

سیروس شمیسا:

شاملو می‌گفت شعر را ول کن



یکی سبزگونی، ملک هیثی خطی چون بهاران، بهاران خدی دریغا که سیراب کام نشد که او منتهی بود و من مبتدی اگر چند مهرش نوازید گرم دریغا بهارش نشد سردی»

سیروس شمیسا شغل خود را شاعری می‌خواند و می‌گوید: شغل من اما شاعری بود. شاملو در دنیا آمد. پدرش دبیر فرانسه بود و مادرش دختر شیخ محمدسعید گیلانی بود اما ویلون می‌زد.

او خود در گفت‌وگویی با مجله ادبی «نویا» با مجتبی نریمان درباره تحصیل‌اتش می‌گوید: «بعد از دیپلم از رشت به شیراز رفتم. من از رشته پزشکی در دانشگاه پهلوی شیراز که از بهترین دانشگاه‌های منطقه بود بعد از دو سه سال انصراف دادم و به دانشکده ادبیات رفتم؛ برایم عجیب و مسخره بود که برای مثال چند صفحه از منطق را یک‌ترم می‌خواستند به دانشجویان بی‌علاقه یاد بدهند. خیلی از درس‌هایی را که در دانشگاه داشتیم قبلاً در رشت یاد گرفته بودم. در جوانی به حوزه هم رفتم و بعضی از درس‌های مقدماتی را خواندم.

تحصیل در رشته ادبیات ابزار می‌خواهد. عربی به جای خود، اما دانشجو باید زبان‌های باستانی و اوستا و فارسی باستان و پهلوی و آرامی و عبری را تا حدی بلد باشد. مگر می‌شود تمدن بین‌النهرین را نخونده باشی و بیایید حرف بزنی؟! از وقتی که بازنشسته شدم شرط گذاشتم و بیش‌تر زبان پهلوی و کتیبه‌های فارسی باستان را درس می‌دهم. در دانشگاه کمبریج بودم اما سال ۱۳۶۰ به ایران برگشتم. برخی می‌گفتند چرا چنین کاری می‌کنی؟ گفتم به فارسی جواب‌تان را می‌دهم:

دلستگي اسارت مروزي است

من هم اسپر خاطره رشتم» او در سال ۱۳۵۷ از رساله خود به راهنمایی خانلری دفاع کرد؛ شمیسا در بی‌حوصلگی خود را مانند استادش می‌داند و می‌گوید: «دکتر خانلری استاد من بود اما مثل خودم خیلی حوصله نداشت. این سال‌ها روحیاتش را بهتر درک می‌کنم. رساله دکتری را با او گذراندم. در شیراز با مسعود فرزند محصور بودم. بیش‌تر بحث‌های ما «عروضی» بود. در تهران از ابوالحسن نجفی تأثیر زیادی گرفتم. نزد دکتر تقضلی، قریب و بهار زبان‌های باستانی که آموختم. بزرگ‌ترین استادی که زبان‌های آرامی و بابلی را می‌دانند، عبدالمجید ارفعی بود که استوانه کوروش را از بابلی ترجمه کرد.

نزد استاد دکتر سیدجعفر سجادی درس حوزوی خواندم. شرح منظومیه را خیلی دوست داشتم. استاد مهرداد بهار به ما اساطیر و زبان پهلوی درس می‌داد. در مدح او گفته‌ام: گزارنده‌تر از او به اسرار زند کجا بود در قرن‌ها موبدی به استا و زند و به فرس قدیم شناساتر از او کجا بخردی از آنجای محو جلالش شدم یکی فتنه‌ای، شیفته بی‌حلدی انجام داد. قیامت کرد.»